

علاف



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

رئیس‌جمهور، جناب آقای پزشکیان، بارها گفته‌اند اگر کسی می‌تواند وضعیت را بهتر کند یا کاری انجام دهد، ما در دولت حاضرم کار را بسیاریم یا فضا و شرایط را فراهم آوریم. محققان به‌ویژه پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی دائما نتایج تحقیقات خود در حوزه‌های مختلف را منتشر می‌کنند. نه همه تحقیقات، اما حداقل برخی از آنها حاوی نکات مهمی است که با توجه به آنها می‌توان گشایش‌هایی در کار ایجاد کرد. دورکیم، جامعه‌شناس مطرح فرانسوی،

می‌گوید اگر جامعه‌شناسی به کار بهبود وضع جامعه نیاید، به یک ساعت زحمت‌کشیدن هم نمی‌ارزد. به جای اینکه از محققان و پژوهشگران بخواهیم بیایند کار اجرایی به دست بگیرند، بهتر است از مجریان و مدیران بخواهیم که برای تصمیم‌ها و اقدامات به پژوهش‌های علوم اجتماعی مراجعه کنند. مجریان و تصمیم‌گیران به جای اینکه سخنرانی کنند، بیشتر باید گوش دهند و بخوانند. کدام مدیر و تصمیم‌گیر فرصت بسیار کوتاهی از وقت را برای مطالعه کارهای پژوهشی اختصاص می‌دهد؟ مثالی بزنم که مصداق ضرب‌المثل سنا را از سر گشاداش نواختن است. مدتی است سازمان‌های اجرایی که وظیفه اصلی‌شان فراهم‌آوردن شرایط و زمینه اشتغال به‌ویژه اشتغال جوانان است، همایش‌ها و نشست‌هایی برگزار می‌کنند با عنوان مسئله جوانان NEET یا جوانان علاف که نه درس می‌خوانند و نه مشغول کار هستند.

جالب است که در این همایش‌ها استاندار، دست‌اندرکاران وزارتخانه‌ها و سازمان‌های اجرایی هشدار می‌دهند که نباید به این جوانان بی‌توجهی کرد و آسیب‌های زیادی ممکن است ایجاد شود. واقعا وظیفه سازمان‌های مجری این است که به جامعه هشدار بدهند؟ نهایت هنر هم این است که دبیرخانه دائمی برای آن ایجاد می‌شود و آن را به افتخار همه جوانانی که غیرفعال یا همان علاف هستند، افتتاح می‌کنند. یک جوان اگر امروز بخواهد وارد بازار کار شود، مهارت‌های کارآمد و مؤثر بیاموزد یا کسب‌وکاری راه بیندازد، چه باید کند. این جوان با یک فضا و شرایط بسیار پر ابهام مواجه می‌شود. نمی‌دانند اطلاعات لازم را باید از کجا کسب کند. چه ظرفیت‌هایی در شهر یا استان محل سکونتش وجود دارد؟ چه نوع مهارتی بیاموزد؟ کدام نوع کسب‌وکار با توجه به پتانسیل‌های شهری و استانی امکان شکست کمتری دارد؟ برای مشاوره چه باید کند؟ این جوان آشفته و سرگردان از هوش مصنوعی کمک می‌گیرد و می‌پرسد چه باید کند. او سردرگم است که اطلاعات لازم برای اشتغال و مهارت‌های متناسب را از کجا یابد؟ چه نهادهایی منابع و مهارت‌های مرتبط به آن را ارائه می‌کنند؟ از طرفی بنگاه‌ها مایل هستند بداند در هر استان چه منابع، امکانات و ظرفیت‌هایی برای توسعه کسب‌وکار وجود دارد و چگونه می‌تواند با سایر بنگاه‌ها رنجیره ارزش تشکیل دهد یا نیروی کار مهارت‌دیده را چگونه پیدا کند. سازمان‌های عریض و طویل دولت به جای انجام کار اساسی نباید اطلاعات لازم را در همه زمینه‌ها با شراکت بازگیران عرصه اشتغال دریافت و جمعیت کنند و به‌عنوان یک بسته اطلاعات سیاسی و کاربردی به همه ذی‌نفعان ارائه دهند؟ جمعی از پژوهشگران و استادان علوم اجتماعی اعلام آمادگی کردند که این کار کاربردی و توسعه‌های را با همکاری دستگاه‌های اجرایی انجام دهند.

این پیشنهاد یک تحقیق و پژوهش صرف نیست، بلکه نتایج آن تبدیل به یک بسته کامل اطلاعات استانی اشتغال می‌شود که برای همه بازیگران میدان اشتغال کاربردی است. به‌این‌ترتیب دولت می‌تواند آمیودار باشد که با ارائه چنین اطلاعاتی که با مشارکت بازیگران و کنشگران عرصه اشتغال تهیه شده است، بازار اشتغال را شفاف‌تر کند و به همه بازیگران این فرصت را بدهد که با اطلاع مناسب و کاربردی از فرصت‌ها، امکانات و منابع دست به اقدام بزنند. درواقع با این کار دولت امکان انتخاب بهینه را برای بازیگران فراهم می‌کند. در اینجا دولت دانای کل نیست که دارای همه اطلاعات باشد؛ بلکه به‌عنوان تسهیل‌کننده، اطلاعات را دریافت، دسته‌بندی و جمعیت می‌کند. این پیشنهاد ماه‌هاست که در بین مدیران و کارشناسان سازمان‌های مرتبط می‌چرخد و مشخص نیست در کشوی میز کدام مدیر بایگانی شده است؟ ما همیشه درباره چه و چرا سخن می‌گوییم اما چگونگی را فراموش می‌کنیم. مدام گفته می‌شود جوانان غیرفعال چه هستند و چرا شکل گرفته‌اند اما وقتی از چگونگی گذر از این مسئله بحث می‌شود، همه روی برمی‌گردانیم. چگونگی گذر از مسئله سخت است و کمتر نهادی حاضر است کار سخت انجام دهد و پیشنهادها برای چگونگی و کار سخت کنار گذاشته می‌شود. شاید نه‌فقط برخی جوانان، بلکه همه علاف هستند.

دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۴
۲۷ شعبان ۱۴۴۷
۱۶ فوریه ۲۰۲۶
سال بیست و دوم
شماره ۵۳۲۸
۳۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

نگاهی به ابهام‌های مذاکرات تهران-واشنگتن در گفت‌وگو با کارشناسان (پرونده ویژه)

یک مذاکره و چند کانال

دو مسیرویک مذاکره، از لاریجانی تا عراقچی، از شحام تا وزارت خارجه

کریمی: مذاکره غیرمستقیم

اگر کار آمد باشد، غیرمستقیم باقی نمی‌ماند



یادداشت

ایمنولوژی رسانه‌ای

کالدبشکافی تبانی و مهندسی تخریب در اقتصاد سیاسی روایت

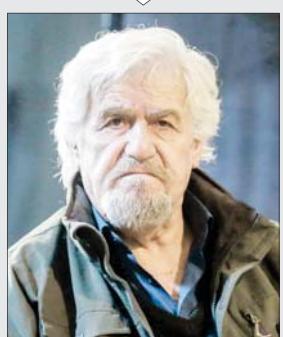


امیر نیک‌رویان

روزنامه‌نگار

سوختی است که آتش را تندتر می‌کند. جامعه‌ای که سال‌ها با تجربه‌های واقعی ناکارآمدی، فساد، تبعیض و رانت زیسته است، به شکل طبیعی به سمت «باورپذیری افشاگری» متمایل می‌شود. این یک قضاوت اخلاقی درباره مردم نیست؛ یک سازوکار اجتماعی است. وقتی تجربه‌های زیسته فراوان باشند، ذهن جمعی به جای آنکه از مسیر سبند حرکت کند، از مسیر «قرینه‌های آشنا» عبور می‌کند. در چنین فضایی، یک اتهام اقتصادی -حتی اگر مبهم، ناقص یا پرش‌خورده باشد- به‌سرعت روی شبکه‌ای از پیش‌فرض‌های فرهنگی می‌نشیند: «پس لابد چیزی هست»، همین «لابد» نقطه‌ای است که شهر-رسانه‌ها دقیقا آن را هدف می‌گیرند. در معنایی نزدیک به آنچه پل ریکور، «هرمنوتیک بدگمانی» می‌نامید، جامعه پیشاپیش آماده است معنای پنهان و سونبیت را پشت هر رخداد ببیند و روایت منفی را به مراتب راحت‌تر از روایت تیبینی هضم کند. درواقع، حافظه تاریخی جامعه، فرش قرمزی برای ورود روایت‌های مسموم پهن کرده است و شهر-رسانه تنها نقش «قاپ‌بندی» این بدگمانی را بر عهده دارد. در سطح مفهومی، آنچه در افشاگری‌های اقتصادی ایران غالب است، اغلب «دروغ محض» نیست، «نیمه‌حقیقت‌قاپ‌بندی‌شده» است. یک سبند واقعی از یک نامه اداری، یک عدد واقعی از یک گزارش یا یک جمله واقعی از یک مکاتبه، از زمینه‌اش جدا می‌شود و در قابی قرار می‌گیرد که از آن «فساد»، «ورشکستگی» یا «نفوذ» بیرون می‌آید. خطر این نوع روایت دقیقاً در همین «شباهت به حقیقت» است: مخاطب احساس می‌کند دارد واقعیت را می‌بیند، درحالی‌که در حال دیدن «برش انتخاب‌شده» است. اینجاست که اقتصاد سیاسی پدیده آشکار می‌شود: افشاگری اقتصادی در بسیاری از موارد یک زائر روزنامه‌نگاری نیست، بلکه یک «ابزار فشار» برای تغییر یک مدیر، جابه‌جایی یک قرارداد یا حذف رقیب در یک مناقصه است. حوزه بانک‌ها و مؤسسات مالی، به‌طور خاص، در برابر این ابزار آسیب‌پذیرتر است؛ زیرا بانک‌ها بر ستون «اعتماد» ایستاده‌اند و اعتماد، برخلاف سرمایه فیزیکی، با یک موج شایعه می‌تواند ترک بردارد.

کافی است روایت «بحران نقدینگی» یا «تزلزل مالی» چند ساعت در فضای عمومی بچرخد تا رفتار سپرده‌گذار تغییر کند؛ و همین تغییر رفتار، بحران را از سطح روایت به سطح واقعیت منتقل می‌کند. به بیان دیگر، در اقتصاد مالی، شایعه فقط «خبر غلط» نیست؛ می‌تواند «پیش‌گویی خودمحقق‌شونده» باشد؛ همان مکانیسمی که رابرت مرتون با دقت توصیفش کرده بود: باوری که صرفاً به واسطه باورشدن، واقعیت را می‌سازد. در این میان، نقش رسانه‌های بزرگ‌تر



عنایت بخشی، بازیگر صاحب‌نام سینمای ایران، در ۸۰سالگی درگذشت

مرد نقش‌های خاکستری

برگزیده‌ها

روبو در مونیخ از اروپا خواست در سه محور با آمریکا همراه شود: حاکمیت ملی، بازسختی‌سازی و قدرت نظامی

رونمایی از «نظم جدید»

راهکارهای کم‌هزینه برای کاهش تلفات جاده‌ای

ناوگان مرگ

یا فرصت ایمنی؟

روایت یک رشد پرهزینه در ایران خودرو

گزارش اختصاصی از جزئیات تازه‌ای از نایب‌شدن دختر ۲۲ساله در بیابان‌های ورامین، قتل، دستگیری و اعتراف متهم

روایت بی‌پناهی

«ملیکا» در بیابان

نگاه

سنگ‌های مان را بغلتانیم...

یادداشتی از علی مرسلی

شکاف بین انتظارات

و واقعیت

یادداشتی از سعید نبی

یادداشت

به احترام داور شیخاوندی



احسان هوشمند

در روزهایی که غم و اندوه بر جامعه ایران حکم‌فرماست و بسیاری از هم‌وطنان در سوگ رخداد‌های اخیر، داغدار و عزادار هستند، یکی از چهره‌های پرتلاش و اثرگذار علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی ایران درگذشت. علوم اجتماعی ایران با درگذشت استاد داور شیخاوندی یکی از تکیه‌گاه‌های علمی خود را از دست داد. هم‌زمان با خبر درگذشت داور شیخاوندی، متأسفانه خبر درگذشت استاد ایران‌شناس برجسته دانشگاه تقلبیس گرجستان یعنی دکتر نوماد بارتانیا نیز موجب تأثر ایران‌دوستان و علاقه‌مندان به حوزه ایران‌شناسی شد. داور شیخاوندی در اردیبهل زاده شد و دوره آموزش عمومی را در همین شهر پشت سر گذاشت و سپس برای اخذ دیپلم راهی تهران شد و پس از آن در دانشسرای عالی موفق به اخذ لیسانس شد و سپس برای ادامه تحصیل عازم فرانسه شد. شیخاوندی به‌عنوان جامعه‌شناس، مترجم و مؤلف فعال، در دوره طولانی چندهای منشأ انتشار ده‌ها اثر در باب جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی بود. دکتر شیخاوندی در دهه ۴۰ خورشیدی فعالیت آکادمیک خود را در ایران آغاز کرد. از همان آغاز فعالیت علمی و تدریس و تحقیق در ایران، شیخاوندی به ترجمه و تألیف در حوزه‌های مورد علاقه خود دست به کار شد و اولین آثار خود را با عنوان «برنامه‌ریزی آموزش و پرورش و رشد اقتصادی و اجتماعی» و نیز «بررسی مقدماتی تحول نظام آموزش و پرورش در ایران ۱۳۴۹-۱۳۴۶» در سال ۱۳۴۹ منتشر کرد.

نوبت اول

سایان خصوصی سازی

PRIVATE PROTECTION ORGANIZATION

«خلاصه آگهی عرضه عمومی»

م الف

۲۸۴۷

شناسه آگهی

۲۱۹۱۶۰

رجوع به صفحه

۳